

حقوق حیوانات

منوعیت سگ‌گردانی در سایه تجارت بی ضابطه سگ‌فروشی

سپهر سلیمی

در روزهای اخیر، خبر ممنوعیت آنچه «سگ‌گردانی» نامیده شده در چندین شهر ایران بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی داشته و بار دیگر بحث درمورد قانون حمایت از حیوانات، قوانین شهری و نگاه جامعه به حیوانات خانگی را داغ کرده است. سگ‌گردانی در حالی ممنوع اعلام می‌شود که تجارت و تکثیر حیوانات همچنان آزادانه و بدون نظارت ادامه دارد. این تناقض آشکار، پرسش‌های مهمی را درباره سیاست‌های جاری برمی‌انگیزد. پیش از هر چیز لازم است اشاره کنم که حقوق‌دانان بسیاری تاکید کرده‌اند که قانونی صریح و روشن برای ممنوعیت سگ‌گردانی وجود ندارد. فارغ از اینکه چنین ممنوعیتی از منظر قانونی قابل اتکاست یا نه، باید پرسید: تبعات اجتماعی، بهداشتی و حتی اقتصادی این سیاست چیست؟ فعالان حقوق حیوانات و محیط زیست بارها درباره افزایش افسارگسیخته تولید و خرید و فروش غیرقانونی حیوانات هشدار داده‌اند. بازار پررونق و در عین حال آشفته خریدوفروش حیوانات خانگی ازجمله سگ، به شکل گسترده‌ای در ده‌ها سایت اینترنتی و صدها فروشگاه حیوانات خانگی (پت‌شاپ) و صفحه اینستاگرامی جریان دارد و در اغلب موارد هیچ‌گونه نظارت قانونی وجود ندارد. روندی که نه تنها به حقوق حیوانات در تضاد است، بلکه ریشه بسیاری از مشکلات مرتبط با حیوانات بی‌سرپرست و رهاشده نیز به شمار می‌رود.

در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته، تجارت حیوانات خانگی تحت قوانین سخت‌گیرانه و نظارت‌های دقیق صورت می‌گیرد. این فرایند نیازمند مجوزهای قانونی و شرایط بهداشتی خاص است و فروشندگان موظف‌اند از استانداردهایی پیروی کنند که رفاه حیوان و سلامت روانی و جسمی آن را تضمین کند. در بسیاری از این کشورها، حیوانات فقط از طریق مراکز معتبر یا پناهگاه‌هایی که شرایط سرپرستی را به دقت بررسی می‌کنند، به افراد واگذار می‌شوند. در مقابل در کشور ما در سایات‌هایی مانند دیوار و شیپور، روزانه ده‌ها، صدها و شاید هزاران آگهی فروش حیوانات خانگی منتشر می‌شود؛ آگهی‌هایی که بدون هیچ‌گونه بررسی، مجوز یا نظارت تخصصی، به‌سادگی در دسترس عموم قرار دارند. در یکی از این سایت‌ها، تعداد آگهی‌های مرتبط با سگ به عدد ۲۰ هزار می‌رسد. برخی از سگ‌های موجود در بازار به شیوه‌های مختلف از خارج از کشور وارد شده‌اند.

بسیاری از افرادی که به پرورش و فروش حیوانات مشغول هستند، هیچ تخصص و تعهدی در حوزه حیوانات ندارند و ساده‌ترین اصول نگهداری و رفاه حیوانات را رعایت نمی‌کنند. آنها عملا در حال «تولید انبوه» حیوانات خانگی و ازجمله سگ هستند، بی‌آنکه مسئولیتی در قبال سلامت، آینده یا وضعیت آنها داشته باشند.

در شرایطی که هرکسی به‌راحتی می‌تواند این حیوانات را پرورش داده و عرضه کند، بسیاری از این حیوانات ممکن است از سلامت جسمانی برخوردار نباشند و مشکلات ژنتیکی داشته باشند. همچنین ممکن است از نژاد «سگ‌های ممنوعه» باشند؛ سگ‌هایی که تکثیر، خرید و فروش و حتی نگهداری‌شان به واسطه شرایط رفتاری و جسمانی خاص در بسیاری از کشورها یا دنیا ممنوع شده است ولی متأسفانه در کشور ما بدون هیچ کنترل و محدودیتی خرید و فروش می‌شوند.

با توجه به نبود نظارت قانونی و سازمان‌یافته بر بازار حیوانات خانگی، صدور ممنوعیت برای سگ‌گردانی در معایر عمومی نه‌تنها کمری از مشکلات باز نمی‌کند، بلکه خود می‌تواند به مجموعه‌ای از چالش‌های جدید منتهی شود؛ چالش‌هایی که مستقیماً زندگی حیوانات، سرپرستان آنها و خانواده‌های‌شان و حتی مجریان قانون را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال اگر سگی بیمار شود و سرپرست آن به دلیل ترس از برخورد قانونی قادر به بردن حیوان به مراکز درمانی نباشد، علاوه بر درد ورنجی که به حیوان بیمار تحمیل می‌شود، تبعات بهداشتی مثل بروز بیماری قابل سرایت به انسان و سایر مشکلات بهداشتی را می‌تواند در پی داشته باشد. علاوه بر مسائل بهداشتی، بسیاری از سگ‌ها به دلایل جسمانی و نژادی نیاز دارند که روزانه ساعتی را در فضای باز حضور داشته باشند. این نیاز یک خواسته لوکس یا تفننی نیست، بلکه بخشی از مراقبت اولیه و ضروری این حیوانات به شمار می‌آید. در نبود فضایی ایمن، اختصاصی و مجاز برای تردد حیوانات، سرپرستان آنها ناچارند برای برآوردن این نیاز طبیعی، به پارک‌ها و فضاهای عمومی پناه ببرند.

وقتی حضور حیوانات خانگی در فضاهای عمومی ممنوع یا محدود می‌شود، عملاً سرپرستان این حیوانات در موقعیتی مبهم قرار می‌گیرند. چه باید بکنند؟ آنها با حیواناتی زندگی می‌کنند که بخشی از زندگی آنها شده‌اند، پیوندی عاطفی با آنها برقرار کرده‌اند و نسبت به سلامت و آسایش‌شان احساس مسئولیت دارند. حال اگر این سرپرستان، در پی اجرای سیاست‌هایی سخت‌گیرانه، از خدمات دامپزشکی، گردش روزانه یا حتی حضور در محیط‌های شهری محروم شوند، نتیجه چیزی جز آسیب جسمی و روانی به حیوان و سرپرستش نخواهد بود.

در شرایطی که تعداد سگ‌های خانگی به صدها هزار عدد می‌رسد، هرگونه تصمیم‌گیری در این مورد نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های اجتماعی، نیازهای اساسی حیوانات و حقوق شهروندان انجام شود. فقط با ایجاد زیرساخت‌های مناسب، تدوین قوانین روشن و آموزش اجتماعی می‌توان به راه‌حلی قابل اجرا در این زمینه رسید.

خبر

احتمال وقوع توفان تندری برای تهران

بر پایه واکاوی الگوهای همدیدی و بررسی نقشه‌های پیش‌یابی، وضعیت جوی استان تهران طی پنج روز آینده، آسمان کمی ابری تا قسمتی ابری، در ساعات بعدازظهر و شب همراه با افزایش ابر و وزش باد پیش‌بینی می‌شود. تا روز جمعه (۲۳ خرداد) به تناوب در پاره‌ای از مناطق به‌ویژه نیمه شمالی استان، گاهی رگبار و رعدوبرق، احتمال وقوع توفان تندری و تگرگ و در پاره‌ای نقاط به‌ویژه نیمه جنوبی و غربی استان، کاهي وزش باد شدید، خیزش گردوخاک و انتقال از استان‌های مجاور مورد انتظار است. طی پنج روز آینده روند افزایش نسبی دما پیش‌بینی می‌شود. آسمان تهران امروز (۲۲ خرداد) صاف تا کمی ابری، وزش باد و گاهی افزایش باد با حداقل دمای ۲۱ و حداکثر دمای ۳۳ درجه سانتی‌گراد و طی پس‌فردا (۲۳ خرداد) صاف تا کمی ابری، وزش باد و در بعضی ساعات ه وزش باد شدید با حداکثر دمای ۳۴ و حداقل دمای ۲۲ درجه سانتی‌گراد پیش‌بینی می‌شود. براساس اعلام اداره کل هواشناسی استان تهران، ورامین با بیشینه دمای ۳۱ درجه سانتی‌گراد گرم‌ترین ایستگاه استان تهران در ۲۴ ساعت گذشته گزارش شده است.

گزارش «شرق» از اعتراض داوطلبان به روند برگزاری آزمون استخدامی آموزش و پرورش در گفت‌وگو با معترضان

آزمون تبعیض

امسال امتیازاتی برای افرادی که با آموزش و پرورش همکاری دارند، در نظر گرفته شده، اما برای دسترسی به این امتیازات شرایطی مقرر شده که تمام متقاضیان از آن برخوردار نیستند

شادی مکی: دفترچه «آزمون استخدامی آموزش و پرورش» ۱۸ خرداد منتشر شد اما در

کمتر از ۲۴ ساعت، بیش از ۳۰ پویش اعتراضی با بیش از ۲۳ هزار امضا به فرایند آزمون به ثبت رسید؛ اعتراضی که ریشه در ترس جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها از آینده شغلی و گرفتارشدن در مرداب بی‌کاری دارد. معترضان در گفت‌وگو با «شرق» روند جذب معلم در سال جاری را ناعادلانه، غیرشفاف و تبعیض‌آمیز توصیف می‌کنند. آنها می‌گویند در حالی که یک سال تمام، همه تمرکز خود را معطوف به مطالعه منابع آزمون استخدامی کرده‌اند، اما بعد از انتشار دفترچه آزمون متوجه کاهش شدید ظرفیت استخدام‌ها شده‌اند. برخی شهرها امسال معلم جذب نمی‌کنند، در برخی شهرها هم ظرفیت بسیار کم و گاهی تک‌نفره است. اما همین ظرفیت کم هم به دلیل حضور داوطلبان برخوردار از سهمیه‌های متفاوت و همچنین اولویت‌بخشی و دادن امتیازهای خاص به داوطلبان متاهل و دارای فرزند، در عمل بخت آنها را که از همه این امتیازات بی‌بهراند، برای موفق شدن در این آزمون به صفر رسانده است. حذف رشته‌های غیرمرتبط با آموزش و پرورش این جوانان است. آنها می‌گویند سوم تعدادی از دروس به منابع آزمون، از دیگر اعتراضات این جوانان است. آنها می‌گویند سوم مردادماه زمان برگزاری آزمون است و آنها فرصت کافی برای مطالعه منابع اضافه‌شده را ندارند. با این وصف می‌توان گفت بسیاری از داوطلبان شرکت در این آزمون، این روزها بر ویرانه آرزوهای‌شان تکیه زده‌اند. آنها یک سال تلاش کرده‌اند در حالی که حتی فرصت شرکت در آزمون را هم ندارند. یک کارشناس آموزش اما در گفت‌وگو با «شرق» ریشه اصلی این آشفتگی‌ها را در نبود قوانین قابل استناد در حوزه آموزش می‌داند؛ قوانینی که وجود آنها می‌تواند از بروز تخلف جلوگیری کرده و به احقاق حق آسیب‌دیدگان احتمالی کمک کند. با وجود این اعتراضات اما، علی‌فراادی، سخنگوی وزارت آموزش و پرورش، تاکید کرده که در دفترچه اشتباهی در زمینه انتخاب رشته‌ها رخ نداده و رشته‌ها براساس مصوبه شورای تحول و تایید سازمان اداری و استخدامی انتخاب شدند: «دفترچه فعلاً اصلاحاتی ندارد، در صورت ایجاد تغییر، حتما اطلاع‌رسانی می‌شود. آموزش و پرورش براساس نیاز خود و براساس مجوز سازمان اداری و استخدامی و برنامه و بودجه در هر استان ردیف در نظر گرفته و برای تک‌تک نیروها استدلال کردیم».

وعدۀ بی‌عمل

«مینا» فارغ‌التحصیل رشته مهندسی صنایع از یکی از دانشگاه‌های دولتی است. او به «شرق» می‌گوید که در دفترچه‌های آزمون استخدامی آموزش و پرورش مرتبط با سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ اعلام شده بود که رشته‌های غیرمرتبط با این سازمان در صورت داشتن سابقه همکاری با آموزش و پرورش می‌توانند در آزمون استخدامی شرکت کرده و در این نهاد استخدام شوند؛ «تعدادی از دوستانم به همین شیوه استخدام شده‌اند. یک سال است که در حال مطالعه منابع آزمون هستم، دو سال است که در دبیرستان غیرانتفاعی بدون بیمه و با حقوقی ناچیز مشغول به کار شدم به امید استخدام در آموزش و پرورش. بیشترین حقوقی که در این مدت دریافت کرده‌ام سه میلیون تومان بوده اما شرایط را به امید استخدام تحمل کردم. با این همه بعد از انتشار دفترچه استخدامی متوجه کاهش ظرفیت‌ها شده‌ایم. در بعضی شهرها فقط یک یا دو نفر استخدام می‌شوند و برخی از رشته‌ها ازجمله صنایع غلایی حذف شده و ما نمی‌توانیم در آزمون شرکت کنیم. اگر قرار بود شرایط آزمون نسبت به سال گذشته تغییر کند، چرا زودتر اطلاع‌رسانی نشد؟» او از شرایط مقررشده در دفترچه هم گلایه‌مند است: «امسال امتیازاتی برای افرادی که با آموزش و پرورش همکاری دارند، در نظر گرفته شده. اما برای دسترسی به این امتیازات شرایطی مقرر شده که همه متقاضیان از آن برخوردار نیستند، مانند ابلاغ، بیمه و کم پرسنلی که فقط نیروهای خرید خدمتی از آن برخوردارند اما نیروهای غیرانتفاعی نه؛ گویی که نیروهای غیرانتفاعی به کلی از آزمون استخدامی آموزش و پرورش کنار گذاشته شده‌اند».

او به امتیازات در نظر گرفته‌شده برای داوطلبان متاهل هم اشاره می‌کند: «برای افراد متاهل سقف سنی شرکت در آزمون را پنج سال افزایش داده‌اند که در صورت داشتن یک فرزند، یک سال به این عدد اضافه می‌شود. سؤال من این است که یک فرد ۴۰ساله چگونه می‌تواند با کودک هفت، هشت‌ساله کنار بیاید؟ آیا افرادی در این سن می‌توانند ۳۰ سال خدمت کنند یعنی تا سن ۷۰سالگی شرایط لازم برای تدریس و سروکله‌زدن با دانش‌آموزان را دارند؟ چرا من که فقط ۲۵ سال دارم می‌توانم در این آزمون شرکت کنم؟». ظرفیت استخدامی هم نسبت به سال‌های گذشته به‌شدت کم شده، «این را منیّتاً می‌گویم و اما ادامه می‌دهم: «در شهر من یعنی شاهین‌شهر، سال گذشته ۳۲ نفر با عنوان شغلی «آموزگاری» استخدام شدند، اما امسال این عدد به دو نفر کاهش یافته. حتی به اداره آموزش و پرورش شهر مراجعه کردم و آنها می‌گویند نیرو کم دارند و برای‌شان جای سؤال است که چرا تعداد استخدام‌ها کاهش داشته است».

شرایط نابرابر داوطلبان

«نازنین» یکی دیگر از معترضان به حذف رشته‌های غیرمرتبط با آموزش و پرورش در دفترچه آزمون استخدامی این وزارتخانه است؛ مسئله‌ای که باعث شده او در سن ۲۶سالگی نگران از آینده و معضل بی‌کاری باشد: «فارغ‌التحصیل رشته معماری هستم، ما فارغ‌التحصیلان این رشته انتظار داشتیم که در ردیف شغلی «دبیری کار و فناوری» که با رشته تحصیلی ما هم مرتبط است جذب آموزش و پرورش شویم. اما با انتشار دفترچه آزمون متوجه شدیم هم ظرفیت استخدام کاهش یافته و هم اینکه بسیاری از رشته‌های غیرمرتبط حذف شده‌اند. با توجه به اینکه در سال‌های گذشته فارغ‌التحصیلان معماری می‌توانستند به عنوان دبیر کار و فناوری در آموزش و پرورش استخدام شوند، من هم برای شرکت در این آزمون داوطلب شدم و مطالعه کردم، اما بعد از انتشار دفترچه آزمون متوجه شدم که امسال رشته معماری کاملاً از دفترچه حذف شده». او توضیح می‌دهد: «من اهل اسلام‌آباد غرب از توابع استان کرمانشاه هستم. برای استان کرمانشاه استخدام دبیر فرهنگ و هنر در نظر گرفته نشده و ظرفیت استخدام برای دبیر کار و فناوری هم به‌شدت کم شده است». نازنین درباره سهمیه‌ها هم انتقاد می‌کند: «برخی ردیف‌های شغلی تک‌ظرفیتی شده و فقط یک نفر استخدام می‌شود، مثلاً یک نفر آقا. برای برخی هم بیشتری تعداد را از میان داوطلبان برخوردار از سهمیه استخدام می‌کنند، مثلاً اگر در یک ردیف شغلی پنج نفر استخدام می‌شوند، سه نفر از آنها دارای سهمیه هستند. این موضوع باعث می‌شود که داوطلبان سهمیه آزاد در شرایط نابرابر قرار بگیرند. با این اوصاف افرادی مانند من امکان موفق‌شدن در این آزمون را نداریم و تلاش‌های‌مان هم برای ساختن آینده‌مان فایده ندارد».

مافیای آزمون استخدامی

«امیرمهدی» هم علوم ورزشی خوانده و قصد شرکت در آزمون استخدامی را داشته است تا اینکه متوجه اعمال تغییراتی در دفترچه آزمون می‌شود، تغییراتی که کاملاً به ضرر اوست. امیرمهدی به «شرق» می‌گوید: «من عاشق این هستم که روزی معلم ورزش شوم. با این حال از شرکت در آزمون استخدامی منصرف شده‌ام. در حالی که آزمون سوم مرداد برگزار می‌شود، ما دو، سه روز پیش متوجه شدیم که تعدادی از منابع آزمون حذف و تعدادی دیگر به آن اضافه شده است در حالی که ما فرصت کافی برای مطالعه موارد اضافه‌شده را نداریم؛ از طرف دیگر مشخص نیست که سؤالات از کدام کتاب طرح خواهد شد. به ما گفته‌اند از کتاب‌های دبیرستان تا دانشگاه باید همه را مطالعه کرد». او ادامه می‌دهد: «من اهل همدان هستم، در کل این شهرستان برای استخدام معلم ورزش فقط یک ظرفیت ایجاد کرده‌اند. از طرف دیگر سهمیه‌ها و امتیازات تخصیص داده‌شده به داوطلبان متاهل باعث ایجاد نابرابری در میان داوطلبان شده و احتمال قبولی افرادی را که مجرد و دارای سهمیه آزاد هستند، به نحو چشمگیری کاهش داده است». امیرمهدی از وجود مؤسساتی در فضای مجازی و حتی در سطح جامعه خبر می‌دهد که از رهگذر برگزاری آزمون‌های استخدامی به پول‌های کلان دست پیدا می‌کنند: «این گروه‌ها از داوطلبان پول‌های کلان دریافت می‌کنند و جزوه‌هایی را در

اختیار آنها قرار می‌دهند با این وعده که سؤالات از همین جزوات مطرح می‌شود. در واقع این گروه‌ها عملکردی مانند مافیای کنکور دارند و به افرادی که قصد شرکت در آزمون با کمترین مطالعه را دارند، کمک شایان توجهی می‌کنند».

یک سال زحمت بی‌نتیجه

«نسیم» هم فارغ‌التحصیل رشته علوم ورزشی و ساکن شهرستان بناب است. او این روزها نسبت به فرایند استخدام معلم در آموزش و پرورش معترض است. نسیم برای «شرق» روایت می‌کند: «انتظار داشتم رشته علوم ورزشی هم به عنوان آموزگار در آموزش و پرورش جذب شود. این درحالی است که در دفترچه استخدامی هیچ ردیف استخدامی برای شهرستان بناب در نظر گرفته نشده. از طرف دیگر سال گذشته رشته علوم ورزشی برای شغل دبیری مراقبت سلامت استخدام می‌شد، اما امسال در دفترچه چنین مسئله‌ای را مشاهده نکردم». این جوان ۲۳ ساله از سال گذشته در حال مطالعه منابع آزمون استخدامی آموزش و پرورش است، منابع مطالعاتی این شرکت در این آزمون را هم براساس دفترچه استخدامی این سازمان در سال گذشته تهیه کرده است: «با توجه به اینکه رشته تحصیلی من در دفترچه لحاظ نشده است، من‌ادمه که باید چه کنم، من بیش از یک سال زمان گذاشتم تا منابع آزمون را مطالعه کنم».

وقتی تحصیلات دانشگاه تنها راه‌کار است

در این میان همایون سبטי، دبیر کمیسیون آموزش دیده‌بان شفافیت و عدالت که در جریان جزئیات این اعتراضات است، معتقد است که این اعتراض‌ها بجاست. او به «شرق» می‌گوید: «با توجه به اینکه درحال حاضر محوریت نگاه‌ها نسبت به حرفه دبیری و آموزگاری بر مبنای شغلی و اقتصادی است، به نظر می‌رسد اعتراض‌ها بجاست اما حقیقت آن است که به دلیل ازین‌رفتن امکان اشتغال و کسب درآمد در سایر عرصه‌ها که ریشه در معضلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور دارد، این روزها معلم‌شدن به‌عنوان تنها امکان شاغل‌شدن و داشتن حقوق ثابت ماهانه مورد توجه قرار گرفته که البته آموزش و پرورش هم به این رویکرد دامن زده است». او معتقد است اگر فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از رشته‌های غیرمرتبط با آموزش و پرورش مانند زیست‌شناسی، حقوق، جامعه‌شناسی، شیمی و... به این امید در این رشته‌ها درس خوانده‌اند که روزی معلم شده و از این مسیر ارتزاق کنند، مرتکب اشتباه شده‌اند: «البته اشتباه اصلی از ساختارهایست. وقتی مسائل اقتصادی مطرح می‌شوند، اشتباه‌بودن چنین ساختاری خود را نشان می‌دهد. به این معنا که آموزش و پرورش باید بابت هر یک نفری که از راه آزمون استخدامی، استخدام می‌کند، هزینه کند. به همین دلیل هم با دقت مشخص می‌کند که در هر شهر چند نفر را جذب می‌کند و در چه رشته‌هایی؛ بنابراین این موضوع که برخی افراد به امید معلم‌شدن در رشته‌هایی مدرک گرفته‌اند، مسئولیتی را متوجه آموزش و پرورش نمی‌کند. در واقع این نهاد وظیفه ندارد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی فاقد شغل را استخدام کند». این کشنگر آموزشی به مشکلی اشاره می‌کند که در جامعه و سازوکار سازمان‌های اداری کشور ریشه دوانده است: «مشکل این است که ساختار مدیریت کشور تنها مسیر پیشرفت اجتماعی فرزندان متعلق به طبقات متوسط و ضعیف جامعه را -که عموم جامعه را تشکیل می‌دهند- تحصیلات عالی در نظر گرفته است. وقتی این جوانان تحصیلات عالی‌ا را تمام می‌کنند، با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی فعلی و نتکش‌شدن دایره قدرت و ثروت، متوجه می‌شوند که مدارک دانشگاه به کارشان نمی‌آید؛ بنابراین به دنبال هر راهی برای نجات خودشان از خطر بی‌کاری هستند. متأسفانه در حال حاضر تنها دو مسیر برای نجات این افراد وجود دارد؛ یکی رشته‌های دکتری پزشکی و یکی هم رشته‌های مربوط به معلمی. زیرا تنها در این دو مورد حکومت اندکی تزریق مالی برای افرادی دارای تحصیلات انجام می‌دهد». او اضافه می‌کند: «تعداد متقاضیان استفاده از این ظرفیت‌ها ده‌ها و صدها برابر ظرفیت موجود است. از طرف دیگر مسببان ایجاد این وضعیت نامتقارن و ناتراز کشور مدام در حال تغییر قوانین مربوط به ورود به رشته‌های پزشکی و دانشگاه فرهنگیان هستند. به بیان دیگر چرخه‌های باطل دست به دست هم داده و وضعیت را بدتر می‌کنند».

تعارض قانون‌گذار

سبטי درباره اعتراض داوطلبان به در نظر گرفتن امتیاز ویژه برای متاهل‌ها می‌گوید: «اگر استخدام‌ها را به

سمت متاهل‌ها و افراد دارای فرزند ببریم، به نظر می‌رسد شبیه جایزه‌دادن بعد از قبول‌شدن باشد تا تشویق‌کردن برای قبولی. یعنی فرد متاهل و دارای فرزند به هدف قانون‌گذار رسیده است، بنابراین اگر هدف، تشویق مجردها به ازدواج برای جوان‌شدن جمعیت است، باید به افراد مجرد امتیاز بدهیم. منظور من این نیست که باید چنین اقدامی صورت بگیرد، بلکه فکر می‌کنم قانون‌گذار در این زمینه دچار سردرگمی شده است و به نظرم چنین توجهی درست نیست».

پیامدهای فقدان قانون در حوزه آموزش

معترضان معتقدند بسیار دیر از شرایط استخدام مطلع شده‌اند، درحالی‌که اگر زودتر اطلاع‌رسانی می‌شد، آنها امکان برنامه‌ریزی بیشتری داشتند. اما نمی‌توان دفترچه‌های آزمون‌های استخدامی ازجمله آموزش و پرورش را پنج، شش ماه زودتر در دسترس داوطلبان قرار داد؟ سبטי در پاسخ به این سؤال می‌گوید: «حتماً این اقدام درست‌تر و مناسب‌تر است. با این حال باید به نکته مهمی اشاره کنم به این معنا که با وجود سابقه چندرارساله قانون‌گذاری در کشور ما اما متأسفانه هنوز هم در کشور ما قوانین آموزشی وجود ندارد. اگر امروز از حقوق‌دان‌ها سؤال شود که در حوزه آموزش چند قانون داریم، شاید تنها یک قانون وجود داشته باشد که این موضوع بسیار جدی است. وجود قانون می‌تواند مشکلاتی مانند امان اطلاع‌رسانی درباره آزمون‌ها را هم حل‌وفصل کند. او ادامه می‌دهد: «اگر معلم، مدرسه‌ای به طریق اولی‌تر آموزش و پرورش، وظیفه خود را در امر آموزش به درستی انجام ندهد، مانند اینکه منابع آموزشی را به‌درستی و به‌موقع تهیه نکند یا منابع آزمون را به‌موقع اعلام نکند، جرم‌انگاری نشده است، درحالی‌که عوارض این عملکرد برای جامعه از بسیاری از تخلفات یا جرائم ممکن است بیشتر باشد. در مثالی دیگر اگر معلم به انجام تقلب کمک کند یا فرد خود را معلم جا زده و آموزه‌های نادرست در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد یا اینکه در آزمون‌ی سؤال‌ها مطابق با آنچه قبلاً اعلام شده طراحی نشود، هیچ قانونی نیست که تکلیف را مشخص کند، در واقع هیچ قانون مادری که با استناد به آن بتوان همین مسائل جزئی را رفع و رجوع کرد هم وجود ندارد. گویی امر آموزش در کشور ایران چنان موضوع عرفی و مبنی بوده است که قانون‌گذار گمان نکرده که این موضوع نیازمند قانون‌گذاری است». به گفته دبیر کمیسیون آموزش دیده‌بان شفافیت و عدالت در عصر حاضر و به‌ویژه در ۲۰، ۱۰ سال اخیر با توجه به تغییرات بسیاری که در جامعه و در حوزه آموزش ایجاد شده، ضروری است که مجلس با استفاده از نظرات و تخصص حقوق‌دان‌ها مجموعه قوانین منسجمی را در حوزه آموزش و سنجش به تصویب برساند تا هم تخلفات در این حوزه مشخص شوند و هم در صورت بروز اشتباه و تخلف، افراد بتوانند با استناد به قوانین از فرد مرتکب تخلف شکایت کنند.

به باور سبטי اینکۀ دربراه آزمون مهمی مانند آزمون استخدامی آموزش و پرورش زمان اطلاع‌رسانی به دلخواه انتخاب شود، باید نوعی تخلف و حتی جرم به شمار برود: «آموزش» و پرورش به لحاظ اخلاقی و عرفی باید زودتر نسبت به انتشار دفترچه و اطلاع‌رسانی اقدام می‌کرد. نبود قانون در این حوزه باعث شده آموزش و پرورش پاسخ‌گو نباشد. این در حالی است که برای برگزاری کنکور با تعداد شرکت‌کننده‌هایی که گاهی بسیار کمتر از شرکت‌کنندگان آزمون استخدامی آموزش و پرورش است، از یک سال قبل اطلاع‌رسانی شده و زمان برگزاری کنکور و منابع امتحانی مشخص است. درحالی‌که برای آزمون آموزش و پرورش اطلاع‌رسانی و تغییرات در منابع به صورت دل‌خواه انجام می‌شود». این کشنگر آموزشی تاکید می‌کند که فقدان قانون در حوزه آموزش باعث می‌شود مردم و کسانی که در این حوزه دچار آسیب می‌شوند امکان پیگیری و پیگیری با به صورت قانونی و در محکمه‌ها نداشته باشند که نتیجه این معضل هم بروز آشفتگی در زندگی مردم است.

شرق

خبر روز



زندگی ۷۳ درصدکودکان کار باوالدین

ایسنا: معاون امور سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور به استنباط نادرست برخی افراد از وضعیت کودکان کار و خیابان اشاره کرد و گفت: «بسیاری گمان می‌کنند همه این کودکان، بی‌خانمان هستند، درحالی‌که طبق آمار سازمان، ۷۳ درصد با والدین‌شان، ۲۱ درصد با مادرشان، دو درصد با پدر و چهار درصد به صورت جداگانه زندگی می‌کنند». حسن موسوی چلک، با ارائه آمار۱ دربارۀ حوزه کودکان کار و خیابان، گفت: «در سال ۱۴۰۳، ۶۰ درصد از کودکانی که از بهزیستی خدمات دریافت کردند، ایرانی و ۴۰ درصد مهاجران بوده‌اند. تقریباً یک‌چهارم از تعداد عنوان‌شده، دختر هستند و این در حالی است که میزان آسیب‌پذیری دختران برای کار در خیابان به مراتب بیشتر از پسران است. او در مراسم رونمایی از کارزار رسانه‌ای «نه به کار کودک»، به ارائه آمارهای پذیرش کودکان کار و خیابان در سال ۱۴۰۳ در سازمان بهزیستی پرداخت و پیش از ارائه این آمار گفت: «هر آماری که به صورت کشوری غیر از این اعلام شود، مورد تأیید سازمان بهزیستی نیست. آماری که ارائه می‌شود، واقعی است و به تعداد افرادی بازمی‌گردد که به مراکز ما مراجعه کرده و خدمات دریافت کرده‌اند؛ هیچ عددی کم یا زیاد نشده است». براساس اعلام موسوی چلک، در سال ۱۴۰۳، ۱۲هزارو ۶۶۳ کودک دارای پرونده فعال در حوزه کودکان کار و خیابان، از خدمات بهزیستی استفاده کردند. از این تعداد ۲۴۶۶ کودک در مراکز شبانه‌روزی و ۹۸۹۷ نفر در مراکز روزانه تحت حمایت قرار گرفتند، اما تلاش می‌کنیم با توسعه مراکز روزانه، فرصت حضور کودکان در خیابان را کاهش دهیم، او میانگین سن کودکان کار و خیابان را که در مراکز بهزیستی پذیرش می‌شوند، ۱۰ سال عنوان کرد و گفت: «این کودکان حداقل سه خدمت را از سازمان دریافت می‌کنند. میانگین سنی پرونده‌های فعال نیز ۱۳ سال است». او درباره نوع کار این کودکان نیز توضیح داد و افزود: ۱۵ درصد از کودکان زیاله‌گرد به سازمان مراجعه کرده‌اند و ۵۲ درصد در سایر مشاغل خیابانی فعالیت می‌کنند. وقتی از علت حضور کودکان در خیابان صحبت می‌کنیم، هیچ‌گاه یک عامل تعیین‌کننده نیست؛ زیرا پدیده‌های اجتماعی تک‌عاملی نیستند. اما طبق مصاحبه‌های همکاران ما، فقر و اعتیاد بیشترین سهم را در این مسئله داشته است.

موسوی چلک، در ادامه با اشاره به وضعیت تحصیل کودکان کار و خیابان، افزود: «کنکته خوشحال‌کننده این است که بیشتر کودکان کار همچنان به تحصیل ادامه می‌دهند؛ گرچه این‌س موضوع نشان می‌دهد که کودکان در کنار درس مجبور به کار برای تأمین معاش خود و خانواده‌اند. براساس آمارها، ۷۸ درصد از این کودکان در حال تحصیل و ۲۲ درصد بازمانده از تحصیل هستند». او در ادامه نظام مسائل کودکان کار و خیابان را در سه دسته مشکلات اقتصادی، بی‌ثباتی بازار اشتغال و مشکلات فرهنگی تقسیم کرد و ادامه داد: «در بخش مشکلات اقتصادی، فقر، تورم و شکاف طبقاتی، فراوانی بیشتری دارند. در بخش بی‌ثباتی، مقررات زدایی، موقتی‌سازی قراردادهای کار و سروکوب دستمزد و در بخش فرهنگی، فقر فرهنگی و کاهش مهاروزی نقش دارد». معاون امور سلامت اجتماعی بهزیستی درباره خدمات ارائه‌شده در سال ۱۴۰۳ توسط بهزیستی افزود: «۳۶۲۸ کودک ثبت‌نام در مدرسه داشته‌اند؛ یعنی اگر این خدمات انجام نمی‌شد، این امکان برای آنها فراهم نبود. همچنین برای ۲۵۲۷ کودک هزینه مدرسه پرداخت شده است. بیش از ۵۲ هزار نفر در کلاس‌های تقویتی، بیش از ۱۷ هزار نفر سبد کالا و بیش از ۱۵ هزار نفر کارت خرید کالا دریافت کرده‌اند. حدود ۱۹ هزار وعده غذای گرم توزیع و بیش از ۴۳ هزار خدمت مشاوره روان‌شناسی در مراکز و خارج از آن ارائه شده است».